



## Ukraine crisis and its consequences on the transatlantic area (2022-2023)

Asghar Keivan Hosseini<sup>1</sup> | Peyman Helalbin<sup>2\*</sup>

131

Vol. 34  
Summer 2025  
P.P: 113-132

Research Paper

Received:  
2024-05-27  
Revised:  
2024-10-01  
Accepted:  
2025-10-20  
Published:  
2025-10-20

ISSN: 1025-5087  
E-ISSN: 2654-4971



### Abstract

The Ukraine crisis, which began in February 2022, has become another test scene for measuring the quantitative and qualitative dimensions of the interaction framework between the two sides of the Atlantic. Although this crisis is still going on and its ups and downs are not very predictable, but based on what has happened so far, this question arises: What effect has the war between Russia and Ukraine had on transatlantic political-security relations in 2022-2023? In response, the hypothesis is that: The Ukraine crisis, along with creating an opportunity to strengthen the internal cohesion of transatlantic relations, by revealing America's subservient view of Europe, intensifying the internal differences of the European Union and bringing to a dead end the previous approaches regarding security order and stability in this continent, has made the relations between the two face an ambiguous prospect. The goal is to explain how the Ukraine crisis affects the revived relations between America and Europe; And in the situation where in the shadow of Trump's legacy, the signs of mistrust between the two sides of the Atlantic are still evident. The findings of this article are that: the framework of cooperation between America and Europe in order to confront Russia is influenced by several different factors on the two levels of relations between Europe and America and relations between European governments and presents a vague perspective of transatlantic relations. The intended research method is descriptive-explanatory, The necessary theoretical basis for advancing the discussion is the theory of aggressive neo-realism.

**Keywords:** Ukraine war, Trans-Atlantic relationship, Aggressive neo-realism, sanctions policy, European Union.

1. Professor, International Relations, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.
2. Corresponding author: PhD student, International Relations, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran.  
Email: [peyman.helalbin86@gmail.com](mailto:peyman.helalbin86@gmail.com)

Publisher: Imam Hussein University

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

© Authors





## بحران اوکراین و پیامدهای آن بر حوزه فرا آتلانتیک (۲۰۲۲-۲۰۲۳)

اصغر کیوان حسینی<sup>۱</sup> | پیمان هلال بین<sup>۲\*</sup>

سال سی و چهارم  
تابستان ۱۴۰۴  
صص: ۱۳۲-۱۱۳

### مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷  
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸  
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

شاپا چاپی: ۱۰۲۵-۵۰۸۷  
الکترونیکی: ۲۶۵۴-۴۹۷۱



### چکیده

بحران اوکراین که در فوریه سال ۲۰۲۲ با تهاجم نظامی روسیه به این کشور آغاز شد، به صحنه آزمونی برای سنجش ابعاد کمی و کیفی چارچوب تعامل میان دو سوی آتلانتیک تبدیل شد. گرچه کماکان بحران مزبور جریان داشته و جلوه‌های فرازوفرواد آن چندان قابل پیش‌بینی نیست، اما بر مبنای آنچه تاکنون رخ داده، این پرسش مطرح است که: جنگ روسیه و اوکراین چه تأثیری بر روابط سیاسی-امنیتی فرا آتلانتیک در بازه ۲۰۲۲-۲۰۲۳ داشته است؟ در پاسخ، فرضیه نیز عبارت است از اینکه: بحران اوکراین در کنار فرصت‌آفرینی برای تقویت انسجام درونی روابط فرا آتلانتیک، به واسطه آشکارسازی نگاه تبعی آمریکا به اروپا، تشدید اختلافات درونی اتحادیه اروپا و به بن‌بست کشاندن رویکردهای قبلی در مورد نظم امنیتی و ثبات در این قاره، روابط میان این دو را با دورنمای مبهمی مواجه ساخته است. هدف، تبیین چگونگی اثرگذاری بحران اوکراین بر روابط تازه احیاشده آمریکا و اروپاست؛ آن‌هم در شرایطی که در سایه میراث ترامپ، نشانه‌های بی‌اعتمادی میان دو سوی آتلانتیک کماکان مشهود است. یافته‌های این نوشتار نیز اینکه: چارچوب همکاری میان آمریکا و اروپا در جهت رویارویی با روسیه، از عوامل واگرای متعددی در دو سطح روابط میان این دو و روابط میان دولت‌های اروپایی تأثیر پذیرفته و دورنمایی مبهم از روابط فرا آتلانتیک را پیش می‌کشد. روش پژوهش موردنظر توضیحی-تبیینی، بوده و بستر نظری لازم برای پیشبرد بحث نیز نظریه نواقع‌گرایی تهاجمی است.

**کلیدواژه‌ها:** جنگ اوکراین، رابطه فرا آتلانتیک، نواقع‌گرایی تهاجمی، سیاست تحریم، اتحادیه اروپا.

۱. استاد، روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، روابط بین الملل دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

Email: peyman.helalbin86@gmail.com



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

## مقدمه

پس از اتمام جنگ سرد، رابطه فرا آتلانتیک به عنوان رابطه‌ای متناظر بر دو سوی اقیانوس اطلس شمالی، از فرسایش احتمالی جان سالم به دربرد و زمینه‌ساز موقعیتی شد که در بستر آن ناتو توانست به عنوان «پیمان نظامی تطبیق داده شده با شرایط جدید»، کارکردی مضاعف از دوره جنگ سرد را به پیش برد. در این فضا که با فقدان تهدیدات فوری امنیتی همراه شده بود، اروپا مطالبات معطوف به جلب و تعمیق همراهی آمریکا در تأمین امنیت قاره را در دستور کار قرارداد. در این میان، ناتو به عنوان محرکی برای یکپارچگی اروپا نقش آفرین بود؛ آن هم در شرایطی که در عرصه نوظهور توزیع قدرت جهانی، ابتکار ماستریخت، اتحادیه اروپا را به سوی نقش «بازیگری هویت خواه و هماورد طلب» سوق می‌داد. علاوه بر آن، ناتو نه تنها به ثبات رابطه فرا آتلانتیک کمک کرد، بلکه به اندیشه‌ها و نگرش‌های مرتبط بانظم جدید جهانی و نحوه عملکرد مناسب مکانیسم‌های امنیتی افزود. در این میان، جنگ روسیه و اوکراین که در فوریه ۲۰۲۲ با تهاجم نظامی روسیه و اشغال بخش‌های شرقی اوکراین آغاز شد، یکی از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی و امنیتی اروپا در دهه‌های اخیر تلقی شده که در عین حال، تأثیرات فراوانی را نیز بر روابط دو سوی آتلانتیک به همراه داشته است. هرچند روسیه هدف از این حمله را اقدامی دفاعی در برابر گسترش ناتو به سمت مرزهای خود معرفی کرد؛ اما در مقابل، کشورهای غربی حمله مزبور را «تجاوز غیرقانونی» و ناقض آشکار حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین و همچنین اصول منشور سازمان ملل متحد دانستند. در این میان، موضوع مورد توجه پژوهش حاضر، چگونگی اثربخشی بحران یادشده بر روابط میان دو سوی آتلانتیک است؛ چارچوب اثربخشی که با توجه به تحولات اخیر سیاست بین‌الملل و به‌ویژه شرایط ناظر بر الگوی همکاری - رقابت میان قدرت‌های بزرگ و اهمیت چندوجهی اوکراین، از اهمیت خاصی برخوردار شده است. پرسش اصلی این نوشتار این است که: جنگ روسیه و اوکراین چه تأثیری بر روابط سیاسی - امنیتی فرا آتلانتیک در بازه ۲۰۲۲-۲۰۲۳ داشته است؟ در پاسخ این فرضیه مورد نظر است که: بحران اخیر اوکراین به عنوان چالشی بین‌المللی و سیال، در کنار فرصت آفرینی برای تقویت انسجام درونی روابط فرا آتلانتیک، به واسطه آشکارسازی نگاه تبعی آمریکا به اروپا، تشدید اختلافات درونی اتحادیه اروپا و به بن‌بست

کشاندن رویکردهای قبلی در مورد نظم امنیتی و ثبات در قاره (اروپا)، روابط میان این دو به عنوان رکن امنیت و ثبات در قاره را با دورنمای مبهمی مواجه ساخته است. روش پژوهش کیفی و تکنیک مربوطه نیز توضیحی - تبیینی است؛ به این معنا که در کنار ارائه توضیحات لازم در خصوص ویژگی‌های متغیر مستقل (بحران اوکراین) و متغیر وابسته (روابط فرا آتلانتیک)، پژوهشگر درصدد پیدا کردن روابط علت و معلولی بین این دو برمی‌آید، با این قید که در حوزه مطالعات سیاسی و بین‌المللی (به عنوان بخشی از علوم اجتماعی) به طور مسامحه (نه قطعی) از روابط علت و معلولی سخن به میان می‌آید.

### پیشینه پژوهش

در خصوص ویژگی‌های بحران اخیر اوکراین و انگیزه‌ها و الگوی رفتاری بازیگران فعال در آن به ویژه آمریکا و اروپا، آثار متعددی منتشر شده است. در میان نویسندگان داخلی به موارد زیر می‌توان پرداخت: کلاتری و محمدی منفرد (۱۴۰۲)، با بررسی جنگ اوکراین به تبیین سناریوها و ویژگی‌های جنگ در شکل‌گیری نظم نوین جهانی پرداخته و بر این باور تأکید دارند که این جنگ به شکل‌گیری نظم چندقطبی منجر خواهد شد، نظمی که در چارچوب آن آمریکا از محوریت گذشته برخوردار نیست. دادوند (۱۴۰۲)، ضمن بررسی و تحلیل جنگ روسیه و اوکراین بر پایه روش آینده‌پژوهی و تکنیک سناریو پردازی به این پرسش اصلی پاسخ می‌دهد که سناریوهای پیشروی جنگ روسیه - اوکراین و پیامدهای اثرگذار آن بر آینده نظم جدید جهانی چه خواهد بود؟ نیاکویی و شجاعی (۱۴۰۲)، با بهره‌گیری از مؤلفه‌های نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، زمینه‌ها و عوامل مداخله نظامی روسیه در اوکراین و نقش سایر قدرت‌های مؤثر به ویژه آمریکا و برخی از اعضای اتحادیه اروپا در شکل‌گیری و تداوم این بحران را مورد بررسی قرار می‌دهند و به این نتیجه می‌رسند که گسترش ناتو به سمت شرق، عدم ایجاد توازن در روابط با شرق و غرب از سوی مقامات اوکراین و همچنین تلاش روسیه برای افزایش سهم خود از قدرت جهانی و بازیابی قدرت سابق، زمینه‌های شکل‌گیری بحران را فراهم آورد و استمرار بحران نیز به دلیل اتخاذ سیاست آتش‌بیاری معرکه و طعمه‌گذاری و تحریک برای فرسایش از سوی آمریکا و اروپا بوده است. نوروزی و هلالات و مقومی (۱۴۰۱)، به واکاوی جنگ روسیه و اوکراین از منظر امنیت

هستی شناختی پرداخته و مدعی‌اند که دلیل ورود روسیه به جنگ را باید در نادیده گرفتن مرزهای امنیت وجودی آن توسط غرب دانست. در میان نویسندگان خارجی، فابرینی (۲۰۲۲)، به بررسی تأثیرات جنگ روسیه و اوکراین بر یکپارچگی اتحادیه اروپا می‌پردازد و پیشنهادهایی را برای اصلاح و همچنین همکاری‌های بیشتر کشورهای اتحادیه اروپا در زمینه‌های دفاعی، سیاست خارجی و انرژی ارائه می‌دهد. جینگ (۲۰۲۲)، به تحلیل تأثیرات این جنگ بر امنیت انرژی و سیاست‌ها و استراتژی‌های محتمل از دید بازیگران اروپایی می‌پردازد و پیشنهاد می‌دهد که این بازیگران سیاست‌های انرژی کوتاه‌مدت و بلندمدت را به منظور کاهش آسیب‌پذیری باهم ترکیب کنند. رولوز کیس (۲۰۲۳) به تحلیل پیامدهای سیاسی و نظامی سال اول درگیری در اوکراین برای کشورهای اروپای مرکزی و شرقی از جمله کشورهای بالتیک می‌پردازد و به توسعه بیشتر پیوند فرا آتلانتیک برای امنیت اروپا اشاره می‌کند. وی جنگ در اوکراین را آزمون استقامت سیاسی و نظامی برای ناتو و اتحادیه اروپا محسوب می‌کند.

با توجه به منابع مورداشاره، می‌توان گفت که مهم‌ترین وجه نوآورانه این نوشتار به تأمل و تحلیل پیامدهای بحران اوکراین بر روابط میان امریکا و اروپا در قالب روابط فرا آتلانتیک بازمی‌گردد؛ به‌ویژه اینکه در این میان جلوه‌های سیاسی-امنیتی پیامدهای مزبور پرداخته خواهد شد.

### چارچوب نظری: نوواقع‌گرایی تهاجمی

نکته ابتدایی اینکه کلان نظریه واقع‌گرایی یکی از مکاتب چیره، فراگیر و کلان در روابط بین‌الملل است که تبیین کلی سیاست بین‌الملل و پدیده‌های گوناگون بین‌المللی را بر اساس ویژگی‌های ثابت انسان‌ها و کشورها در دستور کار دارد؛ ویژگی که آن را به سوی سطح تحلیل «فرد و دولت» (تصویرهای اول و دوم) سوق داده است. باور بنیادین این مکتب نیز بر پایه نظاره‌گری و رصد جهان در قالب «آن‌چنان که هست» نه «آن‌چنان که باید باشد» هویت یافته است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶).

دستورالعمل جریان اصلی روابط بین‌الملل در دهه ۱۹۸۰، در چارچوب آراء والتز در کتاب «نظریه سیاست بین‌الملل» معرفی شد. پافشاری وی بر کارکرد و ماهیت دولت‌ها در قالب «جویندگان امنیت» که بقا و دوام آن‌ها نیز مستلزم پاسخ به هر «تغییر ساختاری در نظام» بوده، به

مقدمه‌ای بر این باور تبدیل شد که واکنش مزبور عامل اساسی بازتولید توازن قوا در نظام بین‌الملل محسوب می‌شود؛ توازنی که نه پیامد آگاهانه، بلکه نتیجه ناخواسته تصمیمات انفرادی دولت‌ها برای اطمینان از بقای خود است. به‌زعم وی، موازنه قوا پوییش درون سیستمی است که تعادل، ثبات و دوام نظام را تضمین می‌کند (لیتل، ۱۳۸۹: ۲۳). شاید تمرکز بر مقوله «ترس و راهکار غلبه بر آن»، مجرای مناسبی برای پرداختن به نظریه نو رئالیسم تهاجمی باشد؛ آنچه می‌توان به‌عنوان معیاری راهگشا برای تقسیم‌بندی نظریات واقع‌گرایی دانست. در این ارتباط، بیان شده که در ادبیات روابط بین‌الملل دو دیدگاه در مورد چگونگی غلبه بر ترس وجود دارد: نخست، واقع‌گرایی تهاجمی که معتقد است دولت‌ها باید نگرش بسیار بدبینانه نسبت به مقاصد سایر دولت‌ها داشته باشند و وجود آنا‌رشی در نظام بین‌الملل و عواملی مبتنی ذات بشر مانند پرستیژ، شهرت و شهوت را دلیل تهاجمی بودن دولت‌ها می‌داند؛ و دیگری، نظریه‌های واقع‌گرایی غیرتهاجمی، به‌ویژه تدافعی که علت اصلی اقدام دولت به رفتار تهاجمی را «غلبه بر ترس ناشی از عدم قطعیت نسبت به مقاصد سایر دولت‌ها» می‌داند. بر این مبنا، منافع مشترک و همکاری، معیارهای تمایز بخش میان دو نحله واقع‌گرای یادشده، است (Tang, 2010, p.20).

هرچند نگرش مرشایمر در چارچوب نو رئالیسم تهاجمی بر آموزه‌ها و مفروضه‌های واقع‌گرایانه مبتنی است، اما وجه نوآورانه آن در پافشاری بر این نکته که «قدرت‌های بزرگ از طریق برون‌دادهای سیاست خارجی در مسیر اثربخشی بر سیاست بین‌الملل و شکل بخشی به نظم متصور در بستر آن، از نقشی تعیین‌کننده برخوردارند» (Elman, 2007: 18) نهفته است. در عین حال، نکته یادشده را می‌توان به‌مثابه مقدمه‌ای بر فهم الگوی متصور تعامل میان این طیف از کنشگران به‌ویژه در شرایط بروز بحران بین‌المللی، معرفی کرد. در این ارتباط، آنا‌رشی (فقدان یک دولت جهانی یا حاکمیت جهانی)، وجود قابلیت‌های نظامی تهاجمی، عدم اطمینان در مورد نیات سایر دولت‌ها، هدف بقا و عقلانیت، پنج فرضی هستند که از نقشی زیربنای در این نظریه برخوردار بوده و در عین حال، شالوده نظامی را شکل داده و به‌انگیزه‌هایی هویت می‌بخشند تا در نهایت، دولت‌ها به شیوه‌ای تهاجمی بی‌رحمانه رفتار کنند؛ بنابراین، نظام بین‌المللی سیستمی است که در آن رقابت‌های حاصل جمع صفر بر سر قدرت زیاد بوده و خودیاری تنها راه تضمین امنیت است (Deslandes, 2022: 182).

مرشایمر برخلاف مورگنتاؤ دلیل اساسی «جنگ قدرت بی‌حد و حصر» را نه در اشتباهی ذاتی قدرت در انسان، بلکه در «جستجوی امنیت در ساختار آنارشیک سیستم بین‌المللی» به‌عنوان «اصولی نظم‌دهنده» و معضل امنیتی متعاقب آن دانسته (Mendes, 2022: 10-11) و بر این مبنا، این فرض پیش می‌آید که هنگامی که همه دولت‌ها توانایی صدمه و ضربه زدن به یکدیگر را داشته باشند، هر کدام به اندازه توان و قدرت خود و در جهت تحقق امنیت، از انگیزه لازم برای مقابله یا حمله در رابطه با دیگری برخوردار است. از این زاویه، شالوده نواقح گرایي تهاجمی با نوعی بدبینی گره خورده، آنچه به‌طور آشکار مدعی است که دولت‌ها برای تضمین بقا، دائماً به دنبال به حداکثر رساندن قدرت نسبی خود در مقایسه با سایرین هستند (Snyder, 2001: 152). افزون بر این، نیات دولت‌ها به سرعت تغییر می‌کند، به گونه‌ای که یک دولت ممکن است امروز خیرخواهانه و روز دیگر خصمانه رفتار کند (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۳۵).

مرشایمر در چارچوب رویکرد به‌شدت تاریخی و ژئوپلیتیکی خود، نوعی «منطقه‌گرایی» را نیز پیش می‌کشد، به این معنا که قدرت‌های بزرگ در کنار پررنگ‌سازی تمایلات هژمونیک در چهره «سیطره حداکثری بر منابع ثروت جهانی»، حصول اطمینان از احراز بیشترین توان نظامی در «منطقه» خود (به‌ویژه تضمین توفیق هسته‌ای بر رقبا) را نیز در دستور کار دارند. البته در شرایطی که یک منطقه دارای بیش از یک قدرت بزرگ باشد، هیچ هژمونی در منطقه شکل نمی‌گیرد (لیتل، ۱۳۸۹: ۲۹). به‌دغدغه‌های یادشده، «پی‌جویی فرصت‌هایی برای موازنه‌سازی قدرت در مقابل رقبا، احتمالی به کمک ابزارهای اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی» نیز افزوده می‌شود. بر این پایه، آنان حتی در شرایط برخورداری از برتری نظامی نسبت به رقبا، کماکان بر مبنای قانون بازی با حاصل جمع صفر عمل می‌نمایند (کیوان حسینی و حبیب زاده، ۱۳۹۸: ۱۲۵). به‌عنوان نوعی جمع‌بندی می‌توان گفت که:

اولاً نواقح گرایي تهاجمی، نوع رقابتی‌تر نواقح گرایي ساختاری بوده و بر وجود نوعی از نظم بین‌المللی تأکید دارد که در چارچوب آن، «عقلانیت موجد ضرورت تمنای سیری‌ناپذیر قدرت» است. در این مورد لیتل مدعی است که مرشایمر یک تئوری کاملاً بدبینانه را ارائه می‌دهد که حاکی از فشار ساختار نظام بین‌الملل بر کشورها برای تعقیب سیاست‌های رقابتی در قبال یکدیگر و تلاش در هر زمان و هر کجا برای برهم زدن موازنه قدرت رقابتی به نفع خود است (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۳۲).

ثانیاً، به زعم مرشایمر ایالات متحده تنها هژمون منطقه‌ای در تاریخ مدرن است، موقعیتی که از طریق تسلط بر نیمکره غربی و کشورهای دیگر، مانند ژاپن و آلمان نازی، حاصل شده است. ثالثاً، به زعم برخی، باور مرشایمر به اینکه قدرت‌های بزرگ تنها زمانی در صدد گسترش فرصت‌ها برمی‌آیند که به وضوح دامنه منافع متصور از خطرات و هزینه‌ها فراتر رود و گرنه در انتظار فرصت مناسب خواهند بود؛ نشان از نوعی جهت‌گیری منعطف (کمتر رادیکال) دارد (Snyder, 2001: 151-153). با توجه به توضیحات بالا، این برداشت که در شرایط کنونی بین‌المللی که مورد پذیرش و رضایت قدرت‌های بزرگ نیست، راه‌حل مطلوب آنان نیز می‌تواند خطرناک و بی‌رحم بوده و به‌ویژه در دستیابی به موقعیت «قدرت هژمون» خلاصه گردد (OGUZLU, 2023: 61)؛ چندان غیرمنطقی نمی‌نماید.

در نهایت، به‌رغم اینکه:

اولاً از ابتدای شکل‌گیری رابطه فرا‌آتلانتیک، این رابطه بر اساس تاریخچه مشترک، ارتباطات اقتصادی، تهدیدات امنیتی مشترک و نیازمندی به همکاری و همبستگی در مواجهه با چالش‌های امنیتی به‌پیش رفته و به‌مرور، نیاز به همکاری و همبستگی بین آمریکا و اتحادیه اروپا را بیشتر کرد، ثانیاً از آغاز جنگ روسیه و اوکراین نیز این همکاری مزبور جهت مقابله با تهدید روسیه هرچه بیشتر نمود پیدا کرده است،

اما با این حال، بحران اخیر اوکراین فراتر از ادعای طرف غربی مبنی بر مبارزه برای آزادی و دموکراسی، به نماد تنش و تعارض میان قدرت‌های بزرگ بر محور سهم‌خواهی از گستره قدرت در عرصه سیاست بین‌المللی تبدیل شده است. بر این پایه، بهره‌گیری از نظریه نواقح‌گرایی تهاجمی، در جهت پیشبرد منطق تحلیلی ناظر بر این نوشتار، راهگشاست.

## پیامدهای بحران اخیر اوکراین بر روابط دو سوی آتلانتیک

روابط میان آمریکا و اروپا از سابقه‌ای طولانی و در عین حال پرفرازونشیب برخوردار است. در این میان، پیوندهای برآمده از خاکستر جنگ جهانی دوم، در بیشتر موارد از نقشی محوری در حفظ و تداوم صلح و ثبات در فضای یورو-آتلانتیک برخوردار بوده و از سوی دیگر، مشارکت مزبور صحنه‌های آزمون متعددی را نیز از جریان گولیسم (فرانسوی) و جنگ عراق گرفته تا

چرخش ایالات متحده به آسیا و ریاست جمهوری ترامپ، پشت سر نهاده است. در این مورد توجه به دو نکته ضروری است: اولاً امروزه ناتو به عنوان میراث جنگ سرد، بزرگ‌ترین باشگاه نظامی در جهان محسوب می‌شود. در واقع، این پیمان از جمله پیمان‌های سیاسی- نظامی است که با هفت دهه فعالیت، برخلاف تحولاتی که در حوزه تهدیدها و مأموریت آن پیش آمده و حتی از بین رفتن فلسفه وجودی‌اش در پی پایان جنگ سرد، ضرورت‌های فلسفی مزبور را بازتعریف نموده است. در این میان، این پیمان افزون بر وجه نظامی، دارای وزن سیاسی قابل توجه و نیز کارکرد «پیوند بخشی میان دو سوی آتلانتیک» بوده است (احدی، تنهایی، ۱۳۹۳: ۳۹).

### عبور از بی‌اعتمادی متقابل حاصل از دوره ترامپ

مهم‌ترین اثر یک‌جانبه‌گرایی ترامپ در فضای فرا آتلانتیک «آسیب‌رسانی» به روابط میان دو سوی آتلانتیک بود. او آشکارا اتحادیه را به عنوان «دشمنی بدتر از چین اما کوچک‌تر» خطاب می‌کرد، از واقعه برگزیت به عنوان تحولی خوشایند نام می‌برد و حتی دیگر کشورهای عضو را نیز به خروج از اتحادیه تشویق می‌کرد. وی نه تنها از مشارکت با دستور کار تجارت و سرمایه‌گذاری فرا آتلانتیک امتناع کرد، بلکه اروپا را مشمول سیاست تعرفه‌ای «امنیت ملی» خود کرده بود. ترامپ در سایه خروج از توافق هسته‌ای ایران، تجارت‌های اروپایی را تحت صلاحیت فرا منطقه‌ای آمریکا قرارداد. در واقع، در شرایطی که چالش‌های بی‌سابقه در حوزه‌های بهداشت، اقتصاد و امنیتی جهانی، ضرورت «رهبری قدرتمند فرا آتلانتیک» را به ضرورتی فزاینده تبدیل کرده بود؛ در سایه سیاست‌های ترامپ، ناکارآمدی و بی‌اعتمادی گریبان‌گیر دو سوی آتلانتیک شده بود. شرایط بی‌اعتمادی یادشده، حتی در برابر فضای حاصل از پیروزی جو بایدن به عنوان سیاستمداری فرا آتلانتیک گرای پرشور و چندجانبه‌گرا، نیز مقاومت می‌کرد. به این تردید، باوجود تأکید رهبران اروپا بر فرصت‌های پیش آمده در جهت احیای منافع و ارزش‌های مشترک فرا آتلانتیک و تحقق اولویت‌های استراتژیک، کماکان نشانه‌هایی از بی‌اعتمادی نسبت به جهت‌گیری جدید کاخ سفید نیز مشاهده می‌شد؛ گرایشی که متعاقب تعمیق تردید (رهبران اروپا) نسبت به تبدیل شدن ایالات متحده به شریک ثابت و بیرونی اتحادیه و نیز در سایه بحران‌های داخلی این دولت، پذیرفتنی جلوه می‌کرد. دامنه این قبیل دیدگاه تا جایی پیش رفت که افرادی تنها گزینه پیش روی اروپا را «اتخاذ راه سومی

بین ایالات متحده و چین» می‌دانستند؛ موضوعی که به‌زعم اینان از حمایت دوحزبی قوی در واشنگتن نیز برخوردار بود. ناگفته نماند که به‌رغم شرایط یادشده، نهادهای اروپایی (به‌ویژه کمیسیون اروپا) در سال ۲۰۲۰ در صدد پی‌جویی دستور کار جدیدی در خصوص بهبود روابط فرا‌آتلانتیک، برآمدند؛ که در این مورد چند موضوع مورد توجه بود: بازسازی اتحاد جهانی جدید، مدفون کردن منابع تنش‌زای مولود دوران ترامپ و مقابله با چالش‌های استراتژیک تحمیل شده از سوی چین. بالطبع الگوی مزبور نسخه‌ای مبتنی بر «همکاری در همه امور» را شامل می‌شد. در همین راستا، پیش‌بینی می‌شد که نشست سران اتحادیه اروپا و آمریکا در نیمه اول سال ۲۰۲۱ بتواند به احیای دستور کار جدید فرا‌آتلانتیک کمک کند (Blockmans, S. & Evenett: 2021).

در فضای مزبور، حمله روسیه به اوکراین، در چارچوب واکنش گسترده از سوی اعضای ناتو، به تشکیل نشست‌های متعدد در سطح وزرای خارجه و سران منجر شد که این امر نشان‌دهنده وحدت و تعهد این کشورها به حمایت از اوکراین و دفاع از امنیت اروپا تلقی شده است. باین وجود، اشتراک مساعی مزبور، به معنای عدم وجود اختلافاتی به‌ویژه در حوزه نظامی و اقتصادی نیست؛ تنش‌هایی که در هر سطح، تأثیر قابل توجهی بر تحولات جنگ اوکراین داشته است (Brookes, 2023).

### به‌سوی معماری امنیتی جدید فرا‌آتلانتیک

فضای پرتنش شکل گرفته در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰، روابط دو سوی آتلانتیک را نه تنها تیره که تا مرحله شکست سوق داد. باین حال، می‌توان گفت که تهاجم تمام‌عیار روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، افزون بر نقطه عطفی برای اروپا (در هم شکستن معماری امنیتی این قاره و آغاز عصر ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک جدید و چالش‌برانگیزتر)؛ بزرگ‌ترین آزمون برای رابطه فرا‌آتلانتیک را نیز پیش کشید. در واقع، در کنار آثار مثبت ابتکار بایدن در خصوص بهبود روابط یادشده، کماکان نشانه‌هایی از وجود شکاف‌ها و عوامل تحریک‌کننده بالقوه‌ای نیز مشهود بود که می‌توانست «معماری جدید امنیتی فرا‌آتلانتیک» را با پیامدهای تضعیف‌کننده‌ای مواجه نماید (De Castro, 2023: 1-2). در هر صورت، به نظر می‌رسد که در سایه بحران اوکراین، معماری امنیتی فرا‌آتلانتیک، باملاحظه‌های نوظهوری مواجه شد:

## احیای «نقش محوری امریکا در تأمین امنیت اروپا»

هرچند ناتو بر اساس مأموریت «دفاع مشترک در اروپا»، در حال تجربه نوعی حس جدید «یکپارچگی و فوریت» است؛ اما در عین حال، این جنگ به نقش محوری امریکا به عنوان تضمین کننده امنیت اروپا معنایی خاص بخشید؛ آن هم در شرایطی که در سال های اخیر، جهت گیری آسیاگرایی این دولت از یک سو و از سوی دیگر، مناظره های رایج در خصوص «خودمختاری استراتژیک اروپایی»، نقش یادشده را با ابهام و تردیدهایی مواجه ساخته بود (Bouchet, 2022). با این حال، نکته مزبور به هشدار قابل تأمل برای دولت های اروپایی نیز اشاره دارد؛ به این معنا که هرچند تهاجم نظامی روسیه به اوکراین به توانایی و انسجام درونی ناتو را تقویت کرد و تصویر و نقش ایالات متحده را به عنوان «ضامن اصلی امنیت و تمامیت ارضی این قاره» بازسازی نمود، اما کماکان اروپا در جهت تحقق امنیت، دفاع و بازدارندگی مطلوب راه درازی در پیش دارد (De Castro, 2023:1-2). در این ارتباط، یعنی نقد و بررسی ابعاد وابستگی امنیت اروپا به ایالات متحده، برخی به مواضع رهبران فرانسه و آلمان در خصوص ضرورت «حاکمیت اروپایی» اشاره داشته اند؛ آن هم در شرایطی که برلین به تنهایی (بدون همراهی امریکا)، از آمادگی لازم برای حمایت نظامی از کیف در قالب ارسال یک نوع سلاح نیز برخوردار نیست (Garton Ash: 2023, 74).

### همکاری فرا آتلانتیک بر محور پیشبرد سیاست های تحریمی علیه روسیه

سابقه اعمال تحریم علیه مسکو از سوی امریکا و اروپا به بحران اول اوکراین بازمی گردد. این تحریم ها شامل محدودیت هایی در تجارت، سرمایه گذاری و سفر و همچنین مسدود کردن دارایی ها و ممنوعیت صدور روادید برای افراد و نهادهای خاص می شد. متعاقب تهاجم نظامی این دولت به اوکراین در سال ۲۰۲۲، همکاری فرا آتلانتیک در پیشبرد سیاست تحریمی یادشده تشدید شد. یکی از جلوه های آن را می توان در چارچوب همکاری کمیسیون اروپا G7 مشاهده کرد؛ که بر مبنای آن، از ۱۵ مارس ۲۰۲۲ اروپا تصمیم گرفت که محدودیت های شدیدی را در خصوص تجارت اقلام فلزی، کالاهای لوکس، الماس و طلا و حتی اقلام نرم افزاری چون محاسبات کوانتومی، نیمه هادی های پیشرفته، ماشین آلات و قطعات حساس اعمال کند تا از این طریق روند تضعیف مبانی فناوری و ظرفیت صنعتی روسیه را تشدید کند (European Commission Report:2022). در این ارتباط، به موارد دیگری چون تعلیق رفتار ترجیحی تجاری

روسیه بر اساس قوانین سازمان تجارت جهانی، کاهش وابستگی اتحادیه اروپا به گاز روسیه (از طریق افزایش ارسال محموله‌های گاز طبیعی مایع به آن) (Qaisrani,2023:11)، کمک مشترک به ایجاد «انجمن ارتباطات مالی بین بانکی جهانی سوئیفت و سایر خدمات تخصصی پیام‌رسانی مالی» هم توجه شده است. ناگفته نماند که مورد اخیر «توقف خدمات‌دهی به ۱۰ موسسه مالی پیشرو روسیه» را پیگیری می‌کرد. البته دو روز قبل از حمله روسیه، آلمان صدور گواهینامه خط لوله نورد استریم ۲ را به حالت تعلیق درآورد (Congressional Research Service,2023,1-3). در پایان این بحث شایسته است که به‌طور جداگانه به فهرست تحریم‌های امریکا و اروپا علیه روسیه نیز اشاره گردد:

### تحریم‌های ایالات متحده علیه روسیه

- تحریم‌ها و اقدامات مرتبط دولت بایدن و کنگره از فوریه ۲۰۲۲ شامل اقدامات زیر است که دارایی‌های دولت روسیه، تجارت، بخش‌های اقتصادی و افراد و نهادهای خاص را هدف قرار می‌دهد:
- محدودیت تراکنش با بانک مرکزی روسیه، محدود کردن توانایی این بانک برای استفاده از ذخایر خارجی دلاری
  - کنترل‌های صادراتی که بخش‌های دفاعی، هوافضا و دریایی روسیه، تولید انرژی و طیف وسیعی از عملیات تجاری و صنعتی را هدف قرار می‌دهد.
  - ممنوعیت واردات نفت روسیه و سایر محصولات انرژی به ایالات متحده و تعلیق روابط تجاری عادی با روسیه و متحدش بلاروس
  - ممنوعیت خدمات حمل‌ونقل دریایی برای صادرات نفت روسیه بالاتر از سقف قیمتی ۶۰ دلار در هر بشکه، با هماهنگی اتحادیه اروپا (Congressional Research Service,2023,1-3).

### تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه

از فوریه ۲۰۲۲، اتحادیه اروپا ۱۲ بسته تحریم - یا اقدامات محدودکننده - باهدف فلج کردن توانایی روسیه برای تأمین مالی جنگ علیه اوکراین، اعمال هزینه‌بر نخبگان روسیه و کاهش پایگاه

اقتصادی روسیه اعمال کرده است. تحریم‌های مزبور که بخش‌های مالی، تجاری، دفاعی، فناوری و رسانه‌ای روسیه را شامل می‌شود، عبارتند از:

- مسدود کردن دارایی‌های ۲۴۵ نهاد (از جمله بانک‌های کلیدی) و ۱۵۵۱ شخص (عمدتاً مقامات و نخبگان روسی) که ممنوعیت سفر نیز برای آن‌ها اعمال می‌شود.
- محدود کردن معاملات با بانک مرکزی روسیه و مسدود کردن دسترسی به ذخایر آن.
- اعمال محدودیت‌های بدهی و حقوق صاحبان سهام برای بانک‌ها و شرکت‌های خاص.
- ممنوعیت معاملات با برخی از شرکت‌های نظامی-صنعتی دولتی روسیه.
- قطع ارتباط ۱۰ موسسه مالی پیشرو روسیه-از جمله سبر بانک (بزرگ‌ترین بانک روسیه) از سوئیفت (سیستم پیام‌رسانی مالی بین‌المللی مسلط در جهان).
- گسترش کنترل‌های صادراتی در مورد کالاها و فناوری‌های دارای کاربرد دوگانه.
- ممنوعیت صادرات خاص در بخش‌های هوانوردی، دریایی و فناوری (به‌عنوان مثال، نیمه‌هادی‌ها) و صادرات موتور هواپیماهای بدون سرنشین و کالاهای لوکس به روسیه و ممنوعیت واردات فولاد، مشروبات الکلی، غذاهای دریایی، طلا و سایر محصولات از روسیه.
- بستن حریم هوایی اتحادیه اروپا، بندرها و جاده‌ها به روی اپراتورهای روسی.
- تعلیق فعالیت‌های پخش ۱۳ رسانه روسی (از جمله شرکت‌های تابعه).
- ممنوعیت بیشتر واردات نفت خام و فرآورده‌های نفتی روسیه (اعمال به حدود ۹۰ درصد از واردات نفت روسیه)، با معافیت برای نفت خام تحویلی از طریق خط لوله.
- ممنوعیت شرکت‌های اتحادیه اروپا از ارائه خدمات حمل‌ونقل نفت، به‌استثنای نفت خام و فرآورده‌های نفتی روسیه که با سقف قیمتی توافق شده یا کمتر از آن به کشورهای غیر اتحادیه اروپا فروخته می‌شود.
- ممنوعیت صادرات فن‌آوری‌های پالایش نفت از اتحادیه اروپا.

- ممنوعیت واردات زغال‌سنگ روسیه (Congressional Research Service, 2023, 1-3).

### موافقت مشترک با پیوستن اوکراین به اتحادیه اروپا

جلوه دیگری از همکاری‌های فرا آتلانتیکی در کمک به اوکراین و فشار بر روسیه، در فرایند معطوف به پیوستن اوکراین به اتحادیه اروپا آشکار شد. در ۲۸ فوریه ۲۰۲۲، اندکی پس از آغاز تهاجم تمام‌عیار روسیه، اوکراین درخواستی برای عضویت در اتحادیه اروپا ارائه کرد که مورد حمایت پارلمان اروپا، کمیسیون اروپا و شورای اروپا قرار گرفت. در ۲۳ ژوئن (چهار ماه پس از آغاز تجاوز نظامی)، اوکراین، «وضعیت نامزدی» عضویت در اتحادیه اروپا را دریافت کرد. در دسامبر ۲۰۲۳، رهبران اتحادیه اروپا تصمیم گرفتند مذاکرات الحاق را آغاز کنند که در این میان، کمیسیون اروپا بر ارزیابی معیارهای کپنهاگ و مادرید برای پیوستن به اتحادیه اروپا، از جمله «توانایی کشور برای قبول تعهدات عضویت در اتحادیه اروپا» تأکید کرد (Fedorova, 2023: 5-7). در واقع، واقعه یادشده، از یک سو، نشانگر موفقیت اوکراین در ایفای نقش «شریک قابل اعتماد» برای غرب و به‌ویژه اروپا بود و از سوی دیگر، به‌عنوان عضوی از اتحادیه در قالب «تأمین‌کننده قابل اعتماد مواد غذایی» و محل اتکای انرژی، لجستیک، صنعت، فناوری‌های دیجیتال، صادرات مواد غذایی و غیره، می‌توانست برای همکاری‌های فرامرزی، فرصت‌های بزرگی را در اختیار اتحادیه قرار دهد. در نهایت، باید از مرز مشترک اوکراین و اتحادیه اروپا به طول ۱۳۵۸ کیلومتر با ۳۳ ایست بازرسی سخن گفت (Petrenko: 2023).

### چالش‌های گریبان‌گیر روابط فرا آتلانتیک

به‌زعم مرشایمر، فضای تعاملی میان قدرت‌های بزرگ سرشار از «میلی اشباع نشدنی از جستجوی قدرت و امنیت» بوده و ماحصل آن را باید در پی‌جویی دائمی قدرت و به حداکثر رساندن قدرت نسبی جهت تضمین بقا دانست. در این میان، تغییر مداوم نیات دولت‌ها، هر نوع امکان آینده‌نگری در باب الگوی رفتاری آنان را با ابهام و تردید مواجه می‌کند. در نهایت، پافشاری وی بر منطقه‌گرایی قدرت هژمون، به دغدغه‌های پایدار امریکا برای «هدایت الگوی رفتاری اروپا» اشاره دارد. به‌طور منطقی، در این شرایط احتمال بروز اختلاف میان قدرت‌ها امری

اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. بر این مبنا، می‌توان به زمینه‌ها و نشانه‌هایی توجه کرد که زمینه‌ساز بروز تنش و اختلاف میان آمریکا و اروپا شده:

- بروز تعارض میان اهداف اعلانی و اعمالی طرف اروپایی:

از زمان آغاز درگیری روسیه و اوکراین، ایالات متحده به‌طور مداوم بر ضرورت تحقق اهدافی استراتژیک از طریق درگیری نظامی تأکید داشته است، اهدافی مانند فرسودگی و تضعیف روسیه؛ زنده نگه‌داشتن ناتو به رهبری ایالات متحده و جلوگیری از مرگ مغزی آن؛ دستیابی مجتمع نظامی-صنعتی (در آمریکا) به سودهای کلان در سایه تأمین تسلیحات و تجهیزات به اوکراین (Wenhong:2023). اتحادیه اروپا نیز ضمن محکوم کردن تلاش روسیه برای به رسمیت شناختن کنترل غیردولتی در مناطق درگیری دونتسک و لوهانسک و حمایت بلاروس از دولت روسیه، بر حل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشه از طریق گفتگو و دیپلماسی تأکید کرده و نیز خواستار آتش‌بس فوری، خروج بی‌قید و شرط نیروهای متجاوز روسیه از اوکراین و احترام به حاکمیت اوکراین شده‌اند، موضعی که در برداشت اتحادیه از اوکراین به‌عنوان بخشی از «جامعه یورویوم»<sup>۱</sup> دارد (Qaisrani,2023:11). به‌رغم اهداف اعلانی مزبور، رهبران اتحادیه در عمل با چالش‌ها و موانع خاصی روبرو بوده‌اند که به‌طور مستقیم بر الگوی همکاری با آمریکا در جریان بحران اوکراین اثرگذار است:

- ضعف قطب‌نمای استراتژیک اروپا:

در حوزه سیاست خارجی و امنیتی مشترک، بیان‌شده که «برنامه اقدام جدید قطب‌نمای استراتژیک اتحادیه اروپا»، تنها پاسخی جزئی به چالش‌های ژئواستراتژیکی پیش رو ارائه می‌دهد؛ ناکارآمدی که در «ضعف ساختاری» آن ریشه دارد. در این زمینه، به دیدگاه‌هایی می‌توان پرداخت که با توجه به تجربه‌های قبلی اتحادیه<sup>۲</sup>، هدف ناظر بر ایجاد «نیروی واکنش سریع اتحادیه اروپا» (بااستعداد ۵۰۰۰ نیرو که تا سال ۲۰۲۵ در محیط‌های متخاصم مستقر شوند) را بلندپروازانه و نامتناسب با تهدید نظامی ناشی از تهاجم روسیه دانسته؛ و افزون بر آن، بر بی‌میلی شدید کشورهای عضو برای همکاری با برنامه یادشده (قطب‌نمای استراتژیک) تأکید داشتند (Lakhera,2022:162).

- تداوم باور به نقش حیاتی روسیه برای بازسازی نظم امنیتی اروپا:

1 Europium Society

۲ به‌ویژه اینکه در اوایل دهه ۲۰۰۰، اتحادیه اروپا ایجاد گروه‌های جنگی بسیار بزرگ‌تر را در نظر گرفته بود، اما هرگز عملیاتی نشد.

به زعم بسیاری، بحران اوکراین در کنار آثار بی سابقه در چارچوب تحولات دهه اخیر اروپا، به مثابه نوعی نقطه عطف، فرضیات قبلی در مورد نظم امنیتی و ثبات در این قاره را نیز دگرگون خواهد کرد (Schawrarzer, 2023:2). نکته مهم اینکه پس از شروع درگیری روسیه و اوکراین، کشورهای اروپایی مانند فرانسه و آلمان دریافتند که بدون دخالت روسیه (به عنوان سرزمینی در همسایگی) بازسازی نظم امنیتی این منطقه امکان پذیر نیست. نگرش مزبور می توانست بر اراده آنان برای تداوم رویارویی مستقیم و درگیری نامحدود با روسیه اثرگذار بوده و درعین حال، به بروز برخی چالش با ایالات متحده منجر گردد؛ به ویژه از این بعد که رهبران این دولت متأثر از ذهنیت جنگ سرد و منطق «رقابت قدرت های بزرگ»، درگیری پیش آمده را فرصتی برای مهار و تضعیف مسکو تلقی می کردند (Wenhong: 2023).

- تأکید بر راهکار دیپلماتیک برای حل بحران اوکراین:

اروپا در شرایطی (تحت نفوذ واشنگتن) به طور مداوم تجهیزات نظامی بیشتری در اختیار اوکراین قرار می داد که تداوم درگیری، امنیت انرژی اتحادیه را به طور فزاینده ای شکننده ساخته و درعین حال، باعث شد که چالش های اقتصادی آن جدی تر و تضادهای اجتماعی نیز پیچیده تر شود. در این مورد می توان به مواضع برخی سیاستمداران آلمانی در ژانویه ۲۰۲۳ اشاره داشت، مبنی بر اینکه اولاً اروپا در مجاورت بحران و خطرات فزاینده آن قرار دارد، درحالی که ایالات متحده از میدان جنگ دور بوده و به همین دلیل، اتحادیه باید در پی راه حل های دیپلماتیک برای حل بحران برآید؛ ثانیاً درحالی که درگیری روسیه و اوکراین به طور موقت بر برخی اختلافات در روابط میان دو سوی آتلانتیک انداخته، تحولات بین المللی نشانگر این است که تضادها و اختلافات بین آنها، ممکن است آشکارتر شده و نقش امریکا به عنوان «متحد آهنین» اروپا مورد تردید قرار گیرد (Wenhong: 2023). افزون بر آن، حرکت نظامی روسیه در اوکراین می تواند باعث شعله ور شدن اختلاف در میان متحدان ایالات متحده، بر محور «هزینه های افراطی ناشی از تداوم جنگ» شود (Qaisrani, 2023:14).

- اختلاف میان جبهه اروپایی:

بازگشت جنگ در اروپا، نهادهای اتحادیه اروپا و کشورهای عضو را وادار به واکنش بی سابقه ای کرده که در این میان، اتحادیه گام های مهمی برای تعمیق یکپارچگی در حوزه های

سیاست مشترک خارجی و سیاست مشترک امنیتی و دفاعی پناهندگی و مهاجرت و همچنین انرژی برداشته است (Vanhercke, 2023: 12). با این وصف، میان کشورهای عضو اتحادیه نیز نشانه‌هایی از تنش و اختلاف مشاهده شده: در زمینه تأمین انرژی و امنیت، اقدام اتحادیه اروپا کافی نبود. هیچ توافقی بین کشورهای عضو برای تعیین سقف قیمت انرژی حاصل نشد، منافع اقتصادی و سیاسی قوی، تلاش‌های کمیسیون برای حذف تدریجی نفت خام روسیه را به تأخیر انداخت و شورای اروپا در مورد ادامه نامحدود واردات نفت به توافق رسید. در نهایت، اختلافات بین کشورهای عضو نیز توانایی اتحادیه اروپا را برای ادامه سیاست تحریم‌های مالی خود علیه روسیه محدود کرد. در این میان، مواضع نخست‌وزیر مجارستان ویکتور اوربان (دوست نزدیک رئیس‌جمهور روسیه)، قابل توجه است؛ به‌ویژه عدم تمایل وی به پیوستن به جبهه متحد اروپا علیه روسیه و مخالفت با تحریم آن از سوی اتحادیه. در این مورد، اوربان به دلایل متعددی مانند آثار رکودزای قطع رابطه اقتصادی با مسکو بر بنیه (اقتصادی) اروپا، بدبینی به اروپا و ظهور پوپولیسم تأکید داشت. در ضمن، پافشاری این دولت بر ضرورت دور ماندن از درگیری نظامی، باعث مخالفت با ارسال هرگونه سلاح و نیرو به اوکراین گردید. در واقع، مجارستان مصمم بود به روابط اقتصادی با روسیه از طریق یک سری قراردادهای انرژی جدید که در سال ۲۰۲۳ بر اساس «تأمین امنیت انرژی مجارستان» و بدون توجه به «ترجیحات سیاسی» امضا شد، ادامه دهد (Durakcay, 2023: 12-15). در این زمینه، به بروز جنگ در اوکراین بین مجارستان و لهستان (کشوری که موضع قوی ضد روسیه را پذیرفت)، نیز اشاره شده، آنچه به تضعیف اتحاد بین دولت‌های معروف به «دموکراسی‌های غیر لیبرال» منجر شد (Vanhercke, 2023: 15-16).

– محدودیت‌های مالی اتحادیه اروپا:

طبق قوانین اتحادیه «هزینه‌های ناشی از عملیات‌های دارای پیامدهای نظامی یا دفاعی» نمی‌تواند به بودجه اتحادیه اروپا اضافه شود. به همین دلیل است که «تسهیلات صلح اروپا» به‌عنوان مکانیسم تأمین مالی، صرفاً بین دولتی و خارج از بودجه طراحی شده و از طریق کمک‌های دولتی

۱ اوربان شعار «اول مجارها»ی خود را تکرار کرده و معتقد بود که «نه ایالات متحده و نه بروکسل با ذهن مجارها فکر نمی‌کنند و با قلب‌های مجارها احساس نمی‌کنند». در ضمن، دولت مجارستان اولین کشور عضو اتحادیه اروپا بود که با شهروندان خود در مورد تحریم‌های اتحادیه علیه روسیه مشورت کرد. بر اساس نتایج، ۹۷ درصد مجارهایی که در رایزنی ملی شرکت کردند، با تحریم‌هایی که تأثیر منفی قابل‌توجهی داشته باشد، مخالف بودند.

تأمین می‌شود. علاوه بر این، مقدار کلی این تسهیلات ناچیز است. در این مورد می‌توان به بودجه از پیش تعیین شده ۵.۶ میلیارد یورویی برای دوره ۲۰۲۱-۲۰۲۷، اشاره کرد؛ که تنها در سه ماه ابتدایی بعد از آغاز جنگ، یک سوم آن هزینه شد. علاوه بر این، پیشنهاد مه ۲۰۲۲ توسط کمیسیون و نماینده عالی برای رسیدگی به شکاف‌های سرمایه‌گذاری و افزایش هزینه‌های دفاعی در سراسر اتحادیه اروپا نیز از نظر مالی ضعیف به نظر می‌رسید. البته، نهادهای اروپایی برای حل چالش مزبور به طرح‌های نوآورانه‌ای نیز روی آورده‌اند: پیشنهاد کمیسیون برای سرمایه‌گذاری در حدود ۵۰۰ میلیون یورو بین سال‌های ۲۰۲۲-۲۰۲۴ برای تشویق به خرید مشترک تجهیزات نظامی، پیشنهاد کمیسیون برای تأمین ۲۲۵ میلیارد یورو از صندوق بازایی اتحادیه برای تأمین مالی اقدامات مربوط به انتقال انرژی به اعضای در معرض آسیب ناشی از هزینه‌های فزاینده انرژی و اقدامات تلافی‌جویانه روسیه. البته این قبیل راهکارها، به آشکارسازی و تصریح کاستی‌های ساختاری قانون اساسی اتحادیه اروپا به‌ویژه از بعد مالی و بسیج منابع، کمک کرد (Vanhercke, 2023: 15-16).

## نتیجه‌گیری

روابط فرا آتلانتیک در طول دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم، با فرصت‌ها و محدودیت‌های زیادی روبرو بوده که بیش از هر چیز، پایداری و انعطاف‌پذیری آن را به آزمون کشیده است. در این میان، بحران اخیر اوکراین، به‌رغم برخورداری از نشانه‌هایی از «رقابت قدرت‌های بزرگ» و «تجلی درگیری‌های امنیتی ژئوپلیتیک در اروپا»، به تجربه‌ای خاص در برابر دو سوی آتلانتیک تبدیل گردیده است. به عبارت دیگر، آثار مترتب از الگوی همکاری - رقابت میان آمریکا و اروپا در فضای بحران بین‌المللی یادشده، از ابعاد مختلف قابل توجه است:

- میراث رهبری کنونی آمریکا برای خلف خود: آمریکا در آستانه تغییر دولت بوده و بر این مبنای میراث بایدن بر محور سناریوهای معطوف به «توازن قدرت در رابطه فرا آتلانتیک»، «مدیریت تنش میان قدرت‌های بزرگ»، «الگوی نظم امنیتی و ثبات سازی در اروپا» و «کاهش سطح بی‌اعتمادی و خشونت‌گرایی در سطح جهانی»، بر دستور کار امنیتی رئیس‌جمهور بعدی اثرگذار خواهد بود.

- چگونگی اثرگذاری بحران بر برآوردهای امنیتی اروپا نسبت به کانون‌های تهدید و الگوی مواجهه با آن در هیئت «هویت استراتژیک اروپایی». در این مورد، ابعاد کمی و کیفی پیوند خوردن سیاست‌های امنیتی و دفاعی اتحادیه با دستور کار ناتو قابل توجه است.

- تأثیر عمیق جنگ روسیه و اوکراین بر «زنجیره تأمین جهانی»، هشدارهای دستور کار «توسعه پایدار سازمان ملل ۲۰۳۰» در باب امکان کمبود جهانی مواد غذایی را پررنگ می‌سازد. در این مورد، پیامدهای فاجعه‌بار ناشی از کمبود غلات در مناطق آشوب‌زده‌ای چون خاورمیانه و آفریقا، به احتمال بروز تنش‌های منطقه‌ای دامن می‌زند. به عبارت دیگر، گره خوردن آثار منطقه‌ای بحران مزبور با جریان «تنش میان قدرت‌های بزرگ»، می‌تواند دومینو گونه به بی‌ثباتی و ناامنی در دیگر مناطق مستعد نیز تسری یابد.

نکته نهایی اینکه، برای دیگر دولت‌ها در خارج از اروپا و شمال آمریکا، دفاع از اوکراین در اولویت نیست؛ چراکه بسیاری از آنان نسبت به این موضوع که مبارزه برای آزادی و دموکراسی در اوکراین برای آن‌ها نیز مهم است، متقاعد نشده‌اند. برخی ریشه این نوع بی‌اعتمادی بین غرب و سایر نقاط جهان را در فضایی خارج از صحت و نادرستی جنگ، پی‌جویی کرده و در واقع، آن را نتیجه ناامیدی و خشم عمیق دولت‌ها و مردم جوامع دیگر نسبت به «بی‌نظمی غربی در مدیریت جهانی شدن» دانسته‌اند؛ علامتی از یک سندرم گسترده که در عصبانیت از استانداردهای دوگانه غربی و ناامیدی از تلاش‌های متوقف‌شده برای اصلاحات در نظم بین‌المللی، باید جستجو شود (Miliband: 2023, 36-37). در این مورد بیان‌شده که وقتی رهبران اروپایی اتحادیه را به‌عنوان نمادی برتر از ارزش‌های پسا استعماری دموکراسی، حقوق بشر، صلح و کرامت انسانی ارائه می‌دهند، آن‌ها اغلب به نظر می‌رسد تاریخ استعماری طولانی اروپا را فراموش کرده‌اند، اما بقیه جهان این را فراموش نکرده‌اند. این یکی از دلایلی است که کشورهای پسا استعماری مانند هند و آفریقای جنوبی درباره جنگ در اوکراین با غرب همدست نشدند (Garton Ash: 2023, 74).

## فهرست منابع

- احدی، محمد و تنهایی، علیرضا (۱۳۹۳). «تأثیر قابلیت‌های موشکی ج.ا.ایران بر سامانه دفاع موشکی ناتو در ترکیه». فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دوازدهم، شماره ۴۸.
- دادوند، حسین (۱۴۰۲). «بحران اوکراین و تأثیر آن بر هندسه نظم جدید جهانی». فصلنامه مطالعات جنگ، سال پنجم، شماره شانزده.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۶). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، سمت، چاپ هشتم.
- کلانتری، فتح‌الله و محمدی منفرد، حسن (۱۴۰۲). «نتایج جنگ روسیه و اوکراین در شکل‌گیری نظم نوین جهانی». فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک.
- کیوان حسینی، اصغر و حبیب زاده، اسدالله (۱۳۹۸). «آمریکا و چالش افغانستان: از نبرد حداقلی به سوی واقع‌گرایی اصولی». فصلنامه سیاست جهانی، ۸(۴)، ۱۵۰-۱۲۱.
- لیتل، ریچارد (۱۳۸۹). تحول در نظریه موازنه قوا، ترجمه غلامعلی چگنی زاده، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- مرشایمر، جان (۱۳۸۸). تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، ترجمه غلامعلی چگنی زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- نوروزی، پژمان و هلالات، عماد و مقومی، امیررضا (۱۴۰۱). «واکاوی جنگ روسیه و اوکراین از منظر امنیت هستی‌شناختی». فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال بیست و هشتم، شماره صدوبیست.
- نیاکویی، امیر و شجاعی، امیر رهام (۱۴۰۲). «واکاوی ابعاد جنگ روسیه و اوکراین از منظر واقع‌گرایی تهاجمی». فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره سیزدهم، شماره سه.
- Blockmans, S. & Evenett, S. & Kemfert C. & Soare S.R. & Wittig, S, (2021), "The New Transatlantic Partnership", <https://www.intereconomics.eu/contents/year/2021/number/1/article/the-new-transatlantic-partnership.html>.
- Bouchet, Nicolas, (2022), "The Impact of the War in Ukraine on the Transatlantic Relationship", <https://www.gmfus.org/download/article/21093>.
- Brookes, Peter, (2023), "Ukraine's long path to victory and NATO", <https://www.gisreportsonline.com/r/nato-ukraine-war/>.
- Congressional Research Service, (2023), "Russia's War Against Ukraine: European Union Responses and U.S.-EU Relations", CRS INSIGHT Prepared for Members and Committees of Congress, <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/IN/IN11897>.
- De Castro, Ricardo Borges, (2023), "Transatlantic Guardrails: Fostering sustainable EU-US relations", policy briefs, Bertelsmann Stiftung.
- Deslandes, Émile Lambert, (2022), "Balancing, Bandwagoning and Power Maximization: Nato Enlargement Through the Lens of Offensive Realism", journal of military and strategic studies.
- Durakcay, Fuya Akgul, (2023), "Hungary's position on the Russia-Ukraine war and its Impications for cooperation in the Visegrad group", Eurasian research journal ERJ, Vol. 5, No. 4, pp. 7-26, Autumn 2023.
- Elman, Colin, (2007), "Realism", in Griffiths, Martin, International Relations for the Twenty-First Century, London: Routledge.

- European Commission Report, (2022), "International trade sanctions", [https://eu-solidarity-ukraine.ec.europa.eu/eu-sanctions-against-russia-following-invasion-ukraine/import-and-export-bans\\_en](https://eu-solidarity-ukraine.ec.europa.eu/eu-sanctions-against-russia-following-invasion-ukraine/import-and-export-bans_en).
- Fabbrini, Federico, (2022), "The war in Ukraine and the future of the EU: prospects for reform, Social policy in the European Union": state of play 2022.
- Fedorova, Alla, (2023), "The Role of Fulfilling the Obligations by Ukraine under the EU-Ukraine Association Agreement within its New Status of a Candidate State for EU Membership", Charles University Law Faculty.
- Garton Ash, Timothy, (2023), "Postimperial Empire: How the War in Ukraine Is Transforming Europe", Foreign Affairs, May-June 2023.
- Jing, Xiaotong, (2023), "The Russia-Ukraine War and Energy Security: Impact and Policies, From a European Perspective", Highlights in Business, Economics and Management.
- Lakhera, Pankaj, (2022), "A Quest for hegemony or glory: Ukraine as a battle ground between U.S.A and Russia", International Journal of Multidisciplinary e-ISSN: 2455-3085 | Vol.07 | No.07 | July 2022 | pp. 156-164.
- Mendes, Flavio, (2022), "The epistemology of international politics: offensive realism and the Neorealist Scientific Research Program", Rev. Bras. Polit. Int. 65, <https://doi.org/10.1590/0034-7329202200225>.
- Miliband, David, (2023), "The World Beyond Ukraine: The Survival of the West and the Demands of the Rest", Foreign Affairs, May-June 2023.
- OĞUZLU, Tarık, (2023), "Making Sense of Turkey's Foreign Policy from the Perspective of Neorealism", Uluslararası İlişkiler, Vol. 20, No 78, 2023, pp. 59-77, DOI: 10.33458/uidergisi.1284178.
- Petrenko, Ihor, (2023), "Is Ukraine's Accession to the EU a Key to Saving the West from Russia's Aggressive Policy? ", <https://agendapublica.elpais.com/noticia/18718/is-ukraine-accession-to-eu-key-to-saving-west-russia-aggressive-policy>.
- Qaisrani, Irfan, (2023), "A Geopolitical War in Europe: Russia's Invasion of Ukraine and its Implications", Journal of European Studies – 39/1.
- Rublovskis, Raimonds, (2023), "The first year of the conflict in Ukraine: Political and military consequences for central and eastern Europe", Baltic International Academy.
- Schwarzrzer, Daniela, (2023), "the war in Ukraine and its challenges to European security, transatlantic relations and EU-UK cooperation", Brexit institute, working paper N.4.
- Snyder, Glenn, (2001), "Mearsheimer's World— Offensive Realism and the Struggle for Security", International Security, Vol. 27, No. 1 (Summer, 2002).
- Tang, Shiping (2010), A Theory of Security Strategy for Our Time, New York, Palgrave Macmillan.
- Vanhercke, Bart, (2023), "Social policy in the European Union: state of play 2022", Social policy in the European Union.
- Wenhong, Li, (2023), "Russia-Ukraine Conflict manifests differences between US, Europe", [http://eng.chinamil.com.cn/BILINGUAL/Opinions\\_209205/16245796.html](http://eng.chinamil.com.cn/BILINGUAL/Opinions_209205/16245796.html).

